



محمدکریم آسایش

کنشگر و پژوهشگر شهری

«جهنم آدم‌ها مربوط به آینده آنها نیست؛ اگر جهنمی در کار باشد همین است که در مقابل ماست. جهنمی که هر روز در آن زندگی می‌کنیم و با کنارهم‌بودن آن را تشکیل می‌دهیم. برای ازین‌بردن این وضع دو راه‌حل وجود دارد. راه اول برای بسیاری از آدم‌ها آسان است. جهنم را قبول می‌کنند، جزئی از آن می‌شوند و دیگران را نمی‌بینند. دومی راهی پرخطر که نیازمند توجه، شناخت و استمرار است. جست‌وجو و توانایی تشخیص اینکه چه کسی و چه چیزی، در میان جهنم، جهنمی نیست و اینکه آن را تداوم بخشدید و برای آن جا باز کرد» (شهرهای نامرئی، ایتالو کالوینو). حق به شهر (The Right to the City) از دو جزه بنیادین ساخته شده است. Participation (مشارکت) و Occupation (تخصیص) که متشکل از سه قسمت است: Access (دسترسی)، Use (استفاده) و Occupy (تصرف). این دو جزه با یکدیگر پیوسته‌اند. مشارکت یعنی حق اداره‌کردن، حق به تعیین سرنوشت فضا و در نهایت مفهوم «خودگردانی» است که معنای آن را تعیین می‌کند. مشارکت امری اداری- مدیریتی نیست بلکه با سیاست و سیاست فضا پیوند خورده است. مشارکت را نمی‌توان از حق به شهر انتزاع کرد. مشارکت امری سیاسی

در مدیریت شهری

مشارکت مردمی بدون خودگردانی فریبکاری است

است، امری که هارولد لاسول آن را چنین تعریف می‌کند: چه کسی، چه چیزی را، چه موقع و چگونه به دست می‌آورد. مفهومی که به‌صورتی عمیق پیوند مشارکت و تخصیص را با یکدیگر نشان می‌دهد. ماهیت تخصیصی مشارکت/سیاست را ژاک رانسیر به‌خوبی نشان می‌دهد: «سیاست یعنی عدالت، سیاست تا زمانی هست که به‌حساب‌نیامده‌ها بخواهند به حساب آینده (ده تیر درباره سیاست). از این‌رو مشارکت در شهر از دو جزه امکان آزادی (اعمال اراده) و امکان برابری (فرصت برابر برای اعمال اراده) ساخته می‌شود. به تعبیر هانری لوفور: «هر بار که یک گروه اجتماعی از پذیرفتن منفعلانه شرایط معیشت، زندگی یا بقای خود تن می‌زند، هربار که یک گروه بر آن می‌شود که نه فقط شرایط زندگی خود را بپذهد بلکه افسار آن را در دست خویش گیرد، خودگردانی درحال وقوع است». لوفور به‌طور واضح و عامدانه‌ای، مفهوم «خودگردانی» را دربرابر مفهوم «مدیریت مشترک» مطرح می‌سازد. خودگردانی، دولت را به‌عنوان یک نیروی محدودکننده که بر فراز کل جامعه قد علم کرده است و عقلانیتی را که ذاتی مناسبات اجتماعی (کردار اجتماعی) است تسخیر می‌کند و به جالش می‌طلبد، خودگردانی نمی‌تواند از این وظیفه خظیر

ظفره رود؛ ساختن خود به‌عنوان قدرتی که قدرت دولت نیست». از نظر لوفور «مشارکت بدون خودیاری یا خودگردانی هیچ معنای خاصی ندارد و صرفا به یک ایدئولوژی تبدیل می‌شود و کنترل و فریبکاری را ممکن می‌سازد. خودیاری تنها چیزی است که می‌تواند مشارکت را، از رهگذر قراردادن آن در فرایندی که معطوف است به امر جهانی، واقعی و محقق کند». اما چرا مشارکت بدون خودگردانی، فریبکاری است؟ چون نخست تحت ایدئولوژی انتزاعی منافع عمومی است و منافع گروه‌های به حاشیه رانده شده را منعکس نمی‌کند و دوم گفت‌وگو بین گروه‌های اساسا نابرابر است و سوم در میدان نمایندگی صورت می‌گیرد و اراده گروه‌های اجتماعی را واسپاری می‌کند و درنهایت از حق به فضا جداست. بر بستر این چشم‌انداز است که تشکل‌ها اعم از موضعی (محلی) و موضوعی باید به مشارکت بیندیشند وگرنه بهترین مشارکت اتفاق خواهد افتاد و حتی بدتر به جزئی از برنامه مسئولیت‌زدایی از بخش عمومی، بازارسپاری و تبدیل جامعه مدنی به پیمانکاران منجر خواهد شد. در این چارچوب، چنانچه طاهره ابوفاضلی در همایش «محله؛ مشارکت و توسعه» مطرح کرد: «تجربه فعالیت محلی باهمستان نشان می‌دهد

مشارکت به‌وجودآوردنی نیست، مشارکت وجود دارد اما تا زمانی که قدرت تصمیم‌گیری دست مردم نباشد و تا زمانی که قدرت موازنه نشود، اسم دیگر آن مقاومت است». این مشارکت/مقاومت چهار ابزار مهم دارد: ایجاد فضای تفاوت گذار و دفاع از حق تفاوت، تصاحب فضا، نهادهی‌سازی حق به شهر به‌عنوان ایجاد کشودگی برای مبارزه برای حق به شهر و سیاست شهروندی فضایی. به‌جای شهروندی سیاسی. در این فرایند، نقش باهمستان‌ها (community) به‌ویژه بسیار مهم است تا بتوانند با قدرت‌گیری از امر زیسته مشترک، پایه اجتماعی و مادی خودگردانی را فراهم سازند. این چشم‌انداز درنهایت برای مدیریت شهری نیز البته در معنای اداری آن بلکه در معنای سیاسی آن سودمند است. بدون الگوی کشوده برای امکان تحقق خودگردانی و حق به شهر، دموکراسی شهری عقیم می‌ماند، نهاد انتخابی شورا تحت سلطه نهاد اداری شهرداری درمی‌آید، نیروهای سیاسی با نیروهای اجتماعی دچار گسیختگی می‌شوند و توان نمایندگی آنها را از دست می‌دهند و وضعیت «ناحکمرانی» رخ می‌دهد و با نربست‌خوردن «ووتیرن‌های مشارکت» که اثر موقت در مقبولیت بخشی دارند، مقبولیت‌زدایی گسترده رخ خواهد داد.

روایت

نگاهی به فعالیت‌های داوطلبانه شهری در خراسان

قطره‌ای امید در دریای ناامیدی

انجمن شهروندمحور چهار طبقه مشهد؛ پایان سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ مجالی شد برای گپ‌وگفت درباره این موضوع که چرا «آنچه در کلاس‌های شهرسازی می‌خوانیم، اغلب با آنچه در عمل در شهرها رخ می‌دهد، متفاوت است». تابستان همان سال حدود ۲۰ نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته شهرسازی در مشهد گرد هم جمع شدند و آرام‌آرام از دل جلسات و گفت‌وگوهای آنها، راه‌حل‌هایی بیرون آمد که اساسی‌ترین آنها آموزش عمومی اصول شهرسازی برای همه افراد جامعه بود. جمع‌بندی آن گروه دوستانه (که چند ماه بعد «چهارطبقه» را تشکیل دادند) این بود که شهر نه در چارچوب کلاس‌های دانشگاه و نه توسط فارغ‌التحصیلان شهرسازی بلکه توسط عموم مردم ساخته می‌شود. به‌همین دلیل ارتقای آگاهی عمومی نسبت به مسائل شهری و اصول شهرسازی راه‌حل پایدار مشکلاتی است که سال‌هاست گریبان‌گیر شهرهای ایران از جمله مشهد است. انجمن شهروندمحور چهارطبقه با چنین رویکردی در مردادماه ۱۳۹۵ با هدف ارتقای کیفیت محیط شهری شروع به فعالیت کرد و سه راهبرد آموزش عمومی شهرسازی، مشاورت با مدیران شهری و معرفی نمونه‌های موفق را در پیش گرفت. در سال‌های نخست فعالیت چهارطبقه، مصادیقی از تجربه‌های موفق و ناموفق در انطباق با اصول شهرسازی در صفحات مجازی چهارطبقه منتشر می‌شد و در کنار نقد اقدامات نادرست، نمونه‌هایی از تجربه‌های موفق شهرهای ایران و جهان و راه‌حل‌هایی برای اصلاح شرایط موجود ارائه می‌شد. علاوه بر این فعالیت ترویجی مستمر، اعضای چهارطبقه در تابستان ۱۳۹۶ برای نشان‌دادن تحقق‌پذیری «شهرسازی مشارکتی» اقدام به طراحی و اجرای فضای ورودی بوستان فروغ مشهد متناسب با نیاز کاربران فضا (به‌خصوص کودکان) کردند و در رویدادی چهارروزه توانستند اعتماد و مشارکت اهالی محله را در اجرای یک رویداد خردمقیاس شهرسازی پساپاپ جلب کنند. این تجربه موفق زمینه‌ساز استمرار رویکرد شهرسازی مشارکتی در سایر پروژه‌های شهرداری مشهد، از جمله پروژه «خانه بهار» و بعدها طرح محله ما» شد که اساس همه آنها استفاده از مشارکت نظری و عملی شهروندان در تغییرات محیط زندگی ایشان بود. برگزاری نظرسنجی‌های متعدد، مشارکت مستقیم اهالی در انتخاب طرح‌های پیشنهادی و جلب همکاری ایشان در اجرای پروژه‌ها، مهم‌ترین ویژگی‌های این پروژه‌های مشارکتی بود و سبب شد آیین‌نامه طرح «محله ما» نهایتاً در مشهد بلکه در برخی دیگر از شهرهای کشور نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در کنار تمام این اقدامات که موجب تغییر رویکردهای کلان تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های خردمقیاس در سطح محلات مشهد شد، بزرگ‌مقیاس‌ترین تجربه چهارطبقه از نظر وسعت پروژه، همراهی با بیش از ۲۰ سازمان مردم‌نهاد در مخالفت با اجرای بزرگراه جنوبی مشهد بود؛ پروژه‌ای که نزدیک به ۱۰ سال از آغاز عملیات اجرایی آن می‌گذشت و پیشرفت ۴۰ درصدی آن طی این سال‌ها موجب تخریب جبران‌ناپذیر محیط طبیعی ارتفاعات جنوبی مشهد شده بود و هم‌زمان با پیشرفت اجرای آن، سایه تهدید رشد لجام‌گسیخته و ساخت‌وسازهای مخرب در محیط طبیعی و بکر ارتفاعات جنوبی سنگین و سنگین‌تر می‌شد. اعتراضات و فعالیت‌های آگاهی‌بخش مجموعه‌ای متحد از سمن‌های مشهدی که همگی بر نادرستی پروژه بزرگراه جنوبی تأکید داشتند، در کنار همراهی برخی ارکان حاکمیتی محلی و ملی، موجب افزایش فشار بر شهرداری مشهد و سایر طرفداران و ذی‌نفعان پروژه شد و سرانجام شهرداری مشهد ناچار به انجام مطالعات ارزیابی اثرات محیط‌زیستی (EIA) شد. تا تصمیم‌گیری درباره توقف یا ادامه اجرای پروژه بر مبنای نتایج مطالعات انجام شود. هرچند فشارهای غیرحرفه‌ای شهرداری برای اعمال نفوذ و دست‌کاری در نتایج مطالعات، خود حکایتی مفصل دارد اما خوشبختانه تعهد حرفه‌ای انجمن ارزیابی محیط‌زیستی ایران در کنار پیگیری‌های مصرانه سازمان‌های مردم‌نهاد و نظارت دقیق آنها بر روند تهیه و تحویل‌گیری مطالعات، موجب شد راه برای مداخله‌های غیرحرفه‌ای در نتایج مطالعات سد شود و برای نخستین بار در کشور، یک بزرگراه تبدیل به یک فضای عمومی با عنوان «کودپارک» شود؛ فضایی که این روزها به‌جای تردد سریع خودروهای تک‌سرنشین و ایجاد آلودگی مضاعف، به عرصه‌ای پیاده‌مدار برای حضور همه شهروندان مشهد تبدیل شده و نمونه‌ای مثال‌زدنی از حرکت‌های موفق در راستای کاهش خودرومحوری شهرهاست.

اکنون در آستانه شش‌سالگی چهارطبقه و در شرایطی که ناامیدی عمومی بر جامعه سایه انداخته و انواع ناامیلت‌ها در قبال فعالیت‌های مدنی و مطالبه‌گری‌های مبتنی بر منفعت عمومی رخ می‌دهد، ماحصل فعالیت‌های داوطلبانه گروهی از فارغ‌التحصیلان شهرسازی مشهد، همچنان بارقه‌هایی از امید برای اثربخشی مطالبه‌گری‌های جمعی و تلاش در راستای توسعه پایدار را روشن نگه داشته است.

برگ سبز خودرو فیدلیتی پرایم رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ <p>به شماره پلاک ایران ۲۵ _ ۸۵۸ ه ۱۶ و شماره موتور SQRE4T15CACML0179</p> <p>S1412280711513 NAGC1AB49N1006135 به نام محمد داود خلیلی پور رودی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	
کارت ماشین و برگ سبز خودرو پراید صبا رنگ سبز متالیک مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ایران ۳۰ _ ۶۴۵ ب ۶۷ و شماره موتور ۰۰۲۴۲۱۰ و شماره شاسی S1412280711513 به نام عرفان گل محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	



عکس: فعالیت‌های داوطلبانه مجمع کنشگران شهری مساحت



عکس: نمایش ژانمایی است

روایتی از فعالیت‌های داوطلبانه شهری در استان فارس

سازمان‌های مردم‌نهاد به مثابه مدرسه شهر

آموزش دنبال‌کنندگان تخصصی فعالیت‌های سمن است. مهم‌تر و اثرگذارتر از همه این موارد، توانمندتر شدن خود داوطلبین مشارکت‌کننده در سمن است. هرچند فعالیت‌های داوطلبانه در این شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی جامعه، برای مشارکت‌کنندگان دشوار و پرهزینه است اما انبوهی از سرمایه و درس‌های میدانی بر فرد می‌افزاید و او را برای فعالیت در حوزه حرفه‌ای توانمندتر می‌کند. به‌خصوص اینکه اغلب فعالیت‌های داوطلبانه مبتنی بر تجارب نو و بدیعی هستند که فرصت تجربه آنها در فضای عقب‌مانده دانشگاه و طرح‌های تیپیکال حرفه‌ای نیست. البته نمی‌توان با نگاه هزینه-فایده و با هدف منافع «شخصی»، افراد را به سمت فعالیت «داوطلبانه» ترغیب کرد؛ در عوض باید حس دغدغه‌مندی افراد نسبت به مسائل شهر و جامعه و فعالیت داوطلبانه تقویت شود تا یکی از دستاوردهای آن، اصلاح باین به بالای نظام شهرسازی و معماری باشد. همه افرادی که با هم‌ساخت همراهی داشتند به‌واسطه پروژه‌های مختلف از جمله برگزاری رویداد «پارک به‌جای پارکینگ»، اجرائی پروژه «چرخ‌بند» و نگاه انسان‌محور در سایر پروژه‌ها، نسبت به قبل از اهمیت حمل‌ونقل پاک آگاه‌تر هستند.

اصلاح ضابطه تبلیغات محیطی شهر شیراز و تصویب آن در شورای اسلامی شهر به‌منظور حذف تبلیغات پل‌های عابرپاده و تأمین امنیت شهروندان و به‌طورخاص زنان، باعث شد امنیت زنان به یکی از دغدغه‌های اصلی همراهان هم‌ساخت تبدیل شود. داوطلبین و مخاطبین هم‌ساخت بیش از قبل کودکان را در شهر می‌بینند. این موضوع نتیجه مجموعه فعالیت‌های هم‌ساخت در زمینه شهر دوستدار کودک است که برگزاری «مجموعه نشست‌های شهرداری‌های

فراغ از محدودیت‌های مالی و زمانی

پروژه‌های حرفه‌ای، ناآگاهی از فرایند پروژه‌های مشارکتی و همچنین تعریف نادرست از «مشارکت شهروندان» و «تسهیلگری اجتماعی» نیز نقش پررنگی در بیراه‌رفتن این پروژه‌ها دارند.

دوستدار کودک، درس‌ها و چالش‌ها، مهم‌ترین آنهاست. ضمن اینکه مخاطبین اصلی این نشست‌ها شهرداری‌های کشور است و تأثیر مستقیمی بر نگاه تصمیم‌سازان شهری نسبت به حقوق کودکان و تحقق شهر دوستدار کودک دارد. باوجود اینکه همه شهرسازان و معماران بر مشارکت شهروندان در پروژه‌های شهری صحه می‌گذارند اما اغلب در همان گام‌های ابتدایی مشارکت متوقف می‌شوند. فراغ از محدودیت‌های مالی و زمانی پروژه‌های حرفه‌ای، ناآگاهی از فرایند پروژه‌های مشارکتی و همچنین تعریف نادرست از «مشارکت شهروندان» و «تسهیلگری اجتماعی» نیز نقش پررنگی در بیراه‌رفتن این پروژه‌ها دارند. «احیای فضای خاموش میدان سبحانی» فرصتی بود که داوطلبین «طراحی با مردم برای مردم» را تجربه و مشق کنند و به درک متفاوتی نسبت به پروژه‌های مشارکتی برسند. فعالیت‌های ترویجی دیگری که در موضوعات هدف هم‌ساخت صورت گرفت نیز مانند پروژه‌های فوق، در پرورش داوطلب‌ها و مخاطب‌های هم‌ساخت تأثیر گذاشته است. امید داریم که اثرگذاری این فعالیت‌ها بر دانش و تجربه داوطلب‌ها و مخاطب‌ها، در بزنگاه‌های حرفه‌ای نمایان خواهد شد و به ارتقای شهرسازی کشور کمک خواهد کرد. پس بار دیگر اهمیت و جایگاه فعالیت‌های

داوطلبانه بر شهرسازی کشور را یادآور می‌شویم که فراغ از فواید مستقیم موضوعی و موضعی در احوال شهرها، به تربیت شهروندا، سیاست‌گذاران و شهرسازان و معماران نیز منجر می‌شود که اثرگذاری بلندمدت‌تر و پایدارتری در بهبود وضع شهرها خواهد داشت و به ما برای دستیابی به «شهری که می‌خواهیم» کمک خواهد کرد.

حتی گاهی طرح‌های بالادستی که به ارزش‌های بافت تاریخی واقف نیست و حتی شناخت مناسبی از آن محلات تاریخی ندارد، اوضاع را بدتر و مردم را دچار کجی زیادی کرده است. انکار ابواسحاقیه و اهالی آن شبیه یک توپ فوتبال‌اند که اگرچه خود توپ نمی‌داند به کجا می‌رود و سرگردان در زمین بازی از این طرف به آن طرف پرت می‌شود اما بازیکنان از آن آگاه‌اند و این توپ را به‌درستی در میان خودشان پاس می‌دهند.

برگ سبز خودرو کامیون ایسوزو با ظرفیت ۶ تن به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۵۵ _ ۴۷۸ ع ۱۹ و شماره موتور 4HK1553807 و شماره شاسی NAGNPR75PHT006719 به نام آرمان جعفری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	
برگ سبز خودرو دنا پلاس EF7 رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۳۷ _ ۸۳۱ ن ۲۷ و شماره موتور 153H0067293 و شماره شاسی NAAW61HU5NE567346 به نام جواد شهبازی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	



میثم امری

عضو هیئت مدیره مجمع کنشگران شهری هم‌ساخت

سازمان مردم‌نهاد «مجمع کنشگران شهری هم‌ساخت» به‌طور رسمی در استان فارس فعالیت می‌کند و در پی بهبود کیفیت زیست شهرهای کشور برای همه گروه‌ها و احقاق حق مردم بر شهر است. به‌منظور تحقق این هدف، از روش‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنیم که همگی بر توانمندسازی شهروندان در فرایندی مشارکتی بنا نهاده شده‌اند. هم‌ساخت یک شرکت مشاور و بازاری اجرایی سازمان‌های دولتی نیست و قصد نداریم کم‌کاری و مسئولیت دیگران را بر عهده بگیریم. درعین‌حال تلاش داریم که به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد غیردولتی، مسائل شهری را از زاویه احقاق حقوق شهروندان پررنگ کرده و ضمن رفع آن مسائل، گامی جهت اصلاح مسیر غلط جاری در برنامه‌ریزی و طراحی شهری کشور برداریم. درواقع می‌توان علاوه بر اهداف و منافی که فعالیت هم‌ساخت – و اغلب سازمان‌های مردم‌نهادی که در بند رویه‌های جاری و پیمانکار نهادهای رسمی نیستند- در سطوح اولیه به همراه دارد، خروجی‌های دیگری نیز در لایه‌های بعدی برای آن متصور شد. با توجه به اینکه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، خلأهای نظری و عملی شهرسازی کشور را هدف قرار می‌دهد، هرکدام از آن فعالیت‌ها می‌تواند آغازی برای تغییر پارادایم غالب شهرسازی باشد. آنچه در کنار هر فعالیت داوطلبانه انجام می‌پذیرد، توانمندتر شدن شهروندان، آگاه‌شدن مسئولین و

روایتی از فعالیت‌های داوطلبانه شهری در استان اصفهان

در باب کنشگری داوطلبانه در بافت‌های شهری



محدثه انصاری

نایب دبیر سازمان مردم نهاد همبود نصف جهان

به‌واسطه فعالیت تیم تازه‌نفسمان در محلات تاریخی اصفهان به‌دنبال شناخت بیشتر شهرمان بودیم و در پستوهای ذهنمان، این سؤال بود که نیازهای هر محله چیست؟ به‌واسطه جوان‌بودن و بی‌تجربگی تصمیم گرفتیم خیال نجات تمامی بافت‌های تاریخی بشویم و به یک محله بسنده کنیم تا هم شناختمان عمیق‌تر شود (و هم ارتباط‌گرفتن برایمان راحت‌تر باشد. بافت محله تاریخی شهشهان اصفهان بستر رفت‌وآمدهای ما شد. پس از شناخت جوانب گونه‌گون محله – از مباحث مرتبط با کالبد، عملکرد، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ- به تعریف پروژه‌هایی دست زدیم که بدون ارتباط با ارگان‌ها از عهده انجام‌دانشش برپایییم. با وجود اینکه تمام تلاش تیم بر این بود که مردم رکن اصلی تمامی پروژه‌ها باشند ولی اگر برای همان طرح‌های کوچک بیشتر مردم را وارد فرایند مشارکتی می‌کردیم، مسیرمان جور دیگری طی می‌شد. ما در بین این پروژه‌ها شروع به پایش و رفت‌وآمد به محله کردیم. در همین رفت‌وآمدها بود که ناگاه، مجموعه‌ای از هشت دانه ارزشمند تاریخی در حریم ثبت جهانی مسجد جامع توجه ما را به خودش جلب کرد و ما را به فکر مستندنگاری و منعکس‌کردن وضعیت اسفبار این مجموعه ارزشمند در دل یک بافت تاریخی کرد. انعکاس‌های رسانه‌ای و انتشار نقشه‌ها و وضعیت مالکیت مدتی تیتیر خبرگزاری‌های مختلف بود و واکنش‌ها و توجهات زیادی را به این قسمت از بافت تاریخی شهر اصفهان جلب کرد. در آخرین روز مستندنگاری از این بناها بود که با مردم محله ابواسحاقیه بخشی از محدوده شهشهان اصفهان) وارد گفت‌وگو